

A Critical Examination of Firestone's Theory of Evolution Regarding the Story of Abraham in the Quran and Exegetical Traditions

Seyedeh Naeimeh Saghafi¹, Hamidreza Fahimitabar², Mohammad Ali Mahdavi-Rad³
Mohammad Hassan Saneipour⁴, Ali Fadaei⁵

(Received on: 2024-03-08; Accepted on: 2024-08-12)

Abstract

As the founder of monotheistic religions, Abraham holds a special status among the followers of the three Abrahamic faiths. Consequently, affiliation with him has always been a means of asserting legitimacy and a source of pride for these religions. The efforts of the adherents of these three faiths to claim an Abrahamic identity for themselves while denying it to others have given rise to extensive theological and historical debates. For instance, Firestone, a Jewish scholar of Middle East studies, examines the story of Abraham in the Quran and Jewish sources, attempting to portray him solely as the forefather of the Israelite nation. He further accuses Islam of appropriating Abraham's persona to legitimize itself. This study adopts a fundamental, library-based, analytical, and critical approach to elucidate Firestone's theory. By referencing the Torah and Quranic exegeses, it assesses the validity of his arguments and methodology. The findings of this research indicate that while Firestone accuses Islamic sources of being weak, he neither provides sufficient and solid evidence for this claim nor offers any critical evaluation of Jewish sources. Instead, he implicitly regards them as authoritative and definitive in contrast to Islamic sources, including the Quran itself.

Keywords: Abraham, Islam, Quran, Firestone.

1. PhD student, Quran and Hadith Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: nasa1387@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran (corresponding author).
Email: fahimitabar@kashanu.ac.ir

3. Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: mahdavidrad@ut.ac.ir

4. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran.
Email: saneipur@kashanu.ac.ir

5. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Quran and Hadith, Qom, Iran.
Email: fadaei64@yahoo.com

بررسی و نقد نظریه تکامل فایرستون درباره داستان ابراهیم (ع) در قرآن و تفاسیر

سیده نعیمه ثقفی^۱، حمیدرضا فهیمی تبار^۲، محمدعلی مهدوی راد^۳، محمدحسن صانعی پور^۴، علی فدایی^۵

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲]

چکیده

ابراهیم (ع) در جایگاه پایه‌گذار ادیان توحیدی، جایگاه ویژه‌ای میان پیروان ادیان سه‌گانه ابراهیمی دارد؛ از این رو انتساب به ایشان همواره عامل اثبات حقانیت و سبب مباهات ادیان ابراهیمی به شمار می‌آید. تلاش پیروان این سه دین در ابراهیمی‌نامیدن خود و غیرابراهیمی‌دانستن دیگران، مباحث کلامی و تاریخی درازدامنی را شکل داده است؛ برای نمونه فایرستون - خاورپژوه یهودی - با تتبع در داستان ابراهیم در قرآن و منابع یهودی، می‌کوشد او را فقط پدر قوم اسرائیل نشان دهد و اسلام را متهم به مصادره شخصیت ابراهیم برای موجه‌کردن خود می‌کند. در این پژوهش با روش بنیادی، کتابخانه‌ای، تحلیلی و انتقادی، نظریه فایرستون را تبیین می‌کنیم و با استناد به تورات و تفاسیر قرآنی، به اعتبارسنجی و نقد مبانی و روش او می‌پردازیم. نتیجه این جستار نشان می‌دهد فایرستون در حالی منابع اسلامی را متهم به ضعف می‌کند که از سویی دلایل کافی و محکمی بر این ادعا ندارد؛ از سوی دیگر هیچ ارزیابی درباره منابع یهودی ارائه نمی‌دهد و سر بسته آنان را حجت و معیار در برابر منابع اسلامی حتی قرآن می‌داند.

کلیدواژه‌ها: ابراهیم، اسلام، قرآن، فایرستون

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران nasa1387@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول) fahimitabar@kashanu.ac.ir

۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران mahdavidrad@ut.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران saneipur@kashanu.ac.ir

۵. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران fadaei64@yahoo.com

مقدمه

یکی از جنبه‌های مورد توجه خاورشناسان در بررسی قرآن، قصص قرآنی و از جمله داستان زندگی ابراهیم (ع) است. درباره این داستان با وجود تکرار در قرآن و عهد عتیق، اشتراک و اختلاف زیادی در این دو منبع مشاهده می‌شود؛ همین مسئله مسیر برای انتقاد نقل قرآنی این داستان از سوی برخی خاورشناسان را هموار می‌کند. در این تحقیق با توجه به نظرات یک اسلام‌پژوه و یهودپژوه غربی به نام فایرستون، می‌کوشیم نگاه او را تبیین و آنگاه با استناد به آیات قرآن آن را نقد کنیم.

فایرستون در جایگاه یک اسلام‌پژوه یهودی شناخته شده، داستان ابراهیم (ع) در قرآن را اقتباس از عهدین می‌داند و معتقد است مسلمانان آن را مصادره کرده‌اند.

در جستجوی پیشینه این پژوهش، یک عنوان کتاب و دو مقاله به این ترتیب یافت شد: الف) کتاب قهرمان توحید، از مکارم شیرازی؛ نویسنده با تفسیر آیات مربوط به ابراهیم (ع) در قرآن، می‌کوشد نمایی کامل از زندگی و مبارزات این پیامبر در مسیر ترویج توحید به دست دهد.

ب) مقاله «آسیب شناسی پژوهش فایرستون»، نوشته حسن رضایی هفتادرو و مرتضی ولی‌زاده؛ این نوشتار مدخل «ابراهیم» در دایرةالمعارف قرآن لیدن به قلم فایرستون را نقد کرده است.

ج) مقاله «نقد مقاله (مقایسه نگرش شیعه به داستان قربانی ابراهیم با یهودیت، مسیحیت و احادیث اهل سنت) از منظر فایرستون»، اثر غلامرضا رئیسیان و سمانه ابریشمی.

آثار ذکرشده یا محدود به موضوعی خاص و جزئی است یا تنها یک اثر از فایرستون را پژوهیده‌اند؛ ولی پژوهش حاضر می‌کوشد نگاه او را با تکیه بر قرآن و تفاسیر آن بررسی کند که انجام پژوهش حاضر به این لحاظ را ضروری می‌نماید.

۱. معرفی فایرستون

ریوون فایرستون (Reuven Firestone) متولد ۱۹۵۲ در کالیفرنیا، خاخام یهودی و استاد (تمام) مدرسه عالی هیبرو یونین^۱ در لس‌آنجلس آمریکاست. وی سال ۱۹۸۲ به سمت خاخامی منصوب شد و در سال ۱۹۸۸ در رشته عربی و مطالعات اسلامی، مدرک دکتری خود را از دانشگاه نیویورک دریافت کرد. او دارای بیش از صد مقاله در مجلات و پایگاه‌های معتبر علمی دنیا از جمله دایرةالمعارف قرآن لیدن است و نیز تاکنون هشت عنوان کتاب به تألیف رسانده است که کتاب سفرهایی در سرزمین مقدس، تکامل داستان ابراهیم - اسماعیل در تفاسیر اسلامی، ذریه ابراهیم^۲ از جمله آنهاست. با توجه به اینکه موضوع این مقاله، دیدگاه‌های فایرستون درباره شخصیت ابراهیم (ع) در قرآن است، در این قسمت به بیان نظریه تکامل فایرستون می‌پردازیم.

۲. نظریه تکامل فایرستون

در این بخش مراحل این نظریه را به شرح زیر مرور می‌کنیم:

۱. تأیید مشترکات بین قرآن و تفاسیر و کتب عهدین؛
۲. رد غیرمشتکات بین قرآن و تفاسیر و کتب عهدین؛
۳. پیوند دادن غیرمشتکات به برتری طلبی مسلمانان؛
۴. مرحله بندی تغییرات موجود در غیرمشتکات؛
۵. تلاش برای اثبات تحریف در قرآن و روایات؛
۶. مصادره ابراهیم (ع) و اسلامیزه کردن ایشان.

۱-۲. تأیید مشترکات بین قرآن و تفاسیر و کتب عهدین

فایرستون در بخش‌های مختلف آثارش، قسمت‌های بسیاری از داستان زندگی ابراهیم (ع) را می‌پذیرد که بین قرآن و تفاسیر و عهدین مشترک است. وی همه این وقایع را با بیان

جزئیات از تفاسیر مسلمانان بررسی می‌کند. در ادامه به چند نمونه از این موارد در قرآن و تفاسیر و عهدین اشاره می‌شود.

۱-۱-۲. مشترکات بین قرآن و عهدین

مهاجرت ایشان از سرزمین مادری برای پرستش آزادانه خدا (آیات ۱۹:۴۸، ۲۱:۷۱، ۲۶:۲۹ و ۳۷:۹۹ در قرآن)، (Firestone, 1990: 30) (سفر پیدایش، ۱۲:۲۵)، فرزنددارنشدن ابراهیم و همسرش ساره تا دوران پیری (آیات ۶۹-۷۱؛ ۵۱:۲۹؛ ۱۴:۳۹؛ سفر پیدایش، ۱۲:۹ - ۲۰:۱۶؛ Firestone, 1990: 39 - 48).

۲-۱-۲. مشترکات بین تفاسیر و روایات و عهدین

دست درازی حاکم ستمگر به ساره و بخشیدن هاجر به ساره برای عذرخواهی (39 - 31 Firestone, 1990؛ سفر پیدایش، ۲۰:۱ - ۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ه. ش، ج ۱، ص ۱۰۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ش، ج ۷، ص ۲۳۱ - ۲۳۲)، بخشیدن هاجر به ابراهیم (ع) برای همسری، حسادت ساره به هاجر به سبب فرزندارشدن و اصرار ساره به ابراهیم برای هجرت هاجر و پسرش (Firestone, 1990: 39 - 48؛ سفر پیدایش، ۲۱:۹ - ۱۵؛ صدوق، ۱۴۰۳ ه. ش، ص ۳۰۷؛ صدوق، ۱۳۶۱ ه. ش، ص ۱۲۸؛ قمی، ۱۴۰۴ ه. ش، ج ۱، ص ۶۰).

بنابراین در مرحله اول تئوری تکامل داستان ابراهیم در تفاسیر اسلامی فایرستون سعی بر بیان جزئی و موشکافانه مشترکات داستان ابراهیم در قرآن، تفاسیر و منابع عهدینی دارد و آیات قرآن و روایات اسلامی را با عبارات تورات تطبیق می‌دهد تا به نتیجه استفاده و اقتباس از منابع عهدینی دست یابد (Firestone, 1990: 30).

۲-۲. رد غیرمشترکات بین قرآن و تفاسیر و کتب عهدین

فایرستون در مواجهه با بخش‌های متفاوت داستان ابراهیم (ع) و متعلقاتش بین قرآن و

کتب عهدین، به صراحت آنها را رد می‌کند و نمی‌پذیرد. نکته دارای اهمیت آن است که وی سرچشمه این اختلاف‌ها را کفه اسلامی می‌داند و قرآن و مفسران را متهم به اقتباس می‌کند. این اختلاف‌ها شامل موارد زیر است:

۲-۲-۱. تفاوت نگاه تورات، قرآن و تفاسیر به ایمان و نسب هاجر

درباره ایمان هاجر (ع) بین منابع روایات اسلامی با منابع عهدینی به‌ویژه یهودی تفاوت نظر وجود دارد؛ چراکه هاجر در منابع اسلامی زنی با ایمان و پرهیزکار معرفی می‌شود که به دلیل تسلیم بودن در برابر امر پروردگار، مورد احترام اولیای الهی و مسلمانان قرار گرفته است (صدوق، ۱۴۱۳ هـ، ج ۲، ص ۱۹۳)؛ به همین سبب هاجر زنی شایسته و برازنده برای انتخابش در جایگاه جد مادری پیامبر اسلام و مادر اعراب دانسته می‌شود؛ اما منابع یهودی در ایمان هاجر تردید دارند (Firestone, 1990: 65). فایرستون نیز ایمان هاجر را باور ندارد و معتقد است مسلمانان شخصیت وی را تظہیر کرده‌اند تا پاسخی جدلی باشد در برابر عبارات سفر پیدایش ۲۱:۱۹ (Firestone, 1990: 75).

از سوی دیگر از نظر فایرستون، هاجر عرب نیست و شجره‌نامه‌اش ساختگی است و ابوهیره با استفاده از منابع عبری آن را تهیه کرده و وارد منابع اسلامی کرده است تا توجیهی باشد بر اینکه هاجر را به واسطه تولد اسماعیل (ع)، جد پیامبر اسلام و مادر اعراب معرفی کنند (Firestone, 1990: 33).

۲-۲-۲. تفاوت نگاه تورات، قرآن و تفاسیر به اسماعیل (ع)

مورد دیگری که فایرستون در برخورد با موارد غیرمشتربا آن برخوردی غیرمحققانه دارد، تفاوت نگاه به اسماعیل (ع) در تورات و قرآن است. تورات در مواجهه با قرآن رویکردی ملامت‌گونه،

سرزنش آمیز و حتی اهانت بار دارد. فایرستون اذعان می‌دارد خاخام‌ها اسماعیل را با دشمنان یهودیان مرتبط کردند (Firestone, 1990: 45 ; irestone, 1990: 39)؛ همچنین متون افسانه‌ای خاخام‌های اولیه (مانند پیدایش ۱۶:۱۰) را سخنانی توییح‌کننده می‌دانند.

فایرستون در نتیجه‌گیری مطالبش، اطلاعات به دست آمده درباره اسماعیل را مبهم معرفی می‌کند. او با استناد به آیات ۵۴ و ۵۵ سوره «مریم» بیان می‌دارد که قرآن توصیفی بیشتر از دیگر انبیا درباره اسماعیل ارائه نمی‌دهد؛ درحقیقت روایاتی که اطلاعاتی درباره اسماعیل اسلامی ارائه می‌دهند، از افسانه‌ها و داستان‌های مربوط به ابراهیم (ع) سرچشمه می‌گیرد. اگر اسماعیل قرآنی با ابراهیم (ع) در ارتباط نبود، در تفاسیر روایی اسلامی، شخصیت او حتی کمتر توسعه یافته بود (Firestone, 1990: 47).

فایرستون با استناد به تفسیر طبری، ابن‌کثیر و کسایی، معتقد است قسمت قبل از پیشگویی تولد دو پسر ابراهیم (ع) که ادامه نبوت از نسل وی را نوید می‌دهد، از تورات برگرفته شده است؛ چراکه خط به خط تفاسیر مانند تورات است؛ اما از بخش مژده خداوند به ابراهیم (ع) به تولد فرزندان او افزوده‌های اسلامی است (Firestone, 1990: 45). او در موارد ذکرشده به روشنی موضوعات غیرمشترک میان تورات و قرآن را نمی‌پذیرد و می‌کند.

۲-۳. پیوند دادن غیرمشترکات میان تورات و قرآن و تفاسیر به برتری طلبی مسلمانان

فایرستون درباره غیرمشترکات (ایمان و نسب و شخصیت اسماعیل) میان تورات و قرآن و تفاسیر نظر چشمگیری دارد. از نظر وی بخش‌های مربوط به مکه و واقعه ذبیح بودن اسماعیل، نقطه اوج و مرکز ثقل داستان زندگی ابراهیم (ع) است. این مسئله نیز به دلیل علاقه مسلمانان به برجسته‌تر کردن دین اسلام و مکان‌های مربوط به مسلمانان است (Ibid, 52-61؛ Firestone, 1989: 131؛ Firestone, 1990: 9).

۲-۴. مرحله‌بندی تغییرات موجود در غیر مشترکات

فایرستون باورمند است مفسران قرآن در طول تاریخ به تدریج مطالب مندرج در تورات و منابع عهدینی را به نفع اسلام تغییر داده یا به بهانه‌ای حذف کرده‌اند. به عقیده او این مهم بر عهده تفاسیر ابن عباس، امام علی (ع) و مجاهد بوده است (Firestone, 1990: 71).

۲-۵. تلاش برای اثبات تحریف در قرآن و روایات

فایرستون برای اثبات تئوری تکامل به زعم خویش، مدارکی ارائه می‌دهد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

الف) تئوری مصادره ابراهیم و اسلامیزه کردن آن زمانی کامل می‌شود که حلقه اتصال ابراهیم به پیامبر اسلام در جای خویش قرار گیرد و این حلقه وصل، به واسطه ازدواج اسماعیل با یکی از دختران قبیله جرهم است (Firestone, 1990: 74). قبیله جرهم افزون بر حلقه وصل اسماعیل به پیامبر (ص)، پلی است که به برجسته کردن نقش اسماعیل (ع) در بنای کعبه نیز اشاره می‌کند (Firestone, 1990: 75).

ب) مسئله بعدی، برداشت و تحلیل فایرستون از تاریخ و زمان رخ دادن حوادث در زندگی ابراهیم (ع) است. از نظر وی هنگامی که فرشتگان عذاب قوم لوط، مهمان ابراهیم نبی می‌شوند، خبر تولد اسحاق را به وی می‌دهند؛ چراکه این واقعه قبل از سفر آنان به مکه و در سوریه بوده است؛ از این رو ذبیح ابراهیم (ع)، اسحاق است نه اسماعیل (ع) (Firestone, 1990: 110).

ج) فایرستون معتقد است نذر ابراهیم (ع) برای قربانی فرزندش، مطلبی است که به متن قرآن و تفاسیر آن اضافه شده و تحریف صورت گرفته است (Firestone, 1990: 110).

۲-۶. مصادره ابراهیم (ع) و اسلامیزه کردن ایشان

فایرستون در مرحله آخر از کنار هم قراردادن داده‌های قبلی، نتیجه تحلیلی دلخواه خود را بیان می‌دارد؛ مسلمانان با استفاده از تحریف، شخصیت مشترک در همه ادیان الهی را تصاحب نموده‌اند و از او به نفع خویش استفاده کرده‌اند. این مسئله از طریق پیوند ابراهیم (ع) با بنای کعبه و انجام مناسک حج (Firestone, 1991: 380 - 385)، روایات ذبیح‌الله دانستن اسحاق (ع) و فرزند دو قربانی خواندن پیامبر (ص) (Firestone, 1990: 135 - 152)، ذبیح دانستن اسحاق تا قرن ششم و تغییر مصداق ذبیح از اسحاق به اسماعیل در عصر عباسیان (Firestone, 1990: 148 - 151؛ Firestone, 1989: 130 - 131؛ Firestone, 2002: 469)، انجام گرفته است؛ اما به دلیل نبود مجال برای نقد همه موارد، تنها مورد آخر بررسی می‌شود.

۳. نقد نظریه تکامل فایرستون

در این قسمت مراحل نظریه تکامل فایرستون به اختصار نقد شود.

۱-۳. نقد مرحله اول: تأیید مشترکات بین قرآن و تفاسیر و کتب عهدین

فایرستون در مرحله اول تئوری خود بیان می‌دارد که مفسران قرآن در داستان ابراهیم و خانواده‌اش از منابع عهدینی اقتباس کرده‌اند؛ از این رو این مطالب را تأیید می‌کند. در این قسمت ابتدا به بیان نظر و توصیف‌های قرآن درباره ابراهیم (ع) می‌پردازیم. ابراهیم (ع) یکی از پنج پیامبر اولوالعزم و دارای شریعت است و پدر ادیان توحیدی یهود، مسیح و اسلام شناخته می‌شود. نام ایشان ۶۹ مرتبه و در ۲۵ سوره قرآن آمده و چهاردهمین سوره، به نام ایشان ثبت شده است؛ همچنین به اقرار فایرستون، ۲۴۵ آیه در قرآن درباره این شخصیت بحث می‌کنند (Firestone, 2002: 1 - 5). آیات قرآن شخصیت ابراهیم (ع) را چنین توصیف می‌کند:

«ابراهیم (ع) حتی پیش از نبوت و در سنین پایین‌ترین نیز برخوردار از رشد فکری و تعالی روحی بود» (انبیاء: ۵۱). «او به اراده خداوند، بر ملکوت آسمان‌ها و زمین نظاره کرد و به مقام یقین رسید» (انعام: ۷۵). «او همواره اهل راست‌گویی بود» (مریم: ۴۱) «هیچ‌گاه آلوده به شرک نشد» (انعام: ۷۹، صافات: ۸۴). «یهودی یا مسیحی خواندن این پیامبر، تفکری مردود است؛ چراکه او متدین به دین واحد و حقیقی الهی یعنی اسلام بوده است» (آل عمران: ۶۷). «و پروردگار، ابراهیم را پدراست اسلام می‌نامد» (حج: ۲۲: ۷۸). خداوند تأکید می‌کند نزدیک‌ترین افراد به ابراهیم، افراد تابع دین او هستند که عبارت باشند از مسلمانان واقعی، نه کسانی که مانند یهودیان و مسیحیان از راه‌های مختلف خود را به ایشان متصل می‌کنند (آل عمران: ۳: ۶۸)؛ به همین دلیل پروردگار، ابراهیم (ع) را الگوی مسلمانان معرفی می‌کند (ممتحنه: ۴: ۴).

لازم است به این مسئله پردازیم که اساساً راهبرد و رویکرد مفسران اهل سنت و شیعه در استفاده از کتب عهدین در زمان تدوین تفاسیرشان چه بوده است؟

بهره‌بردن از منابع عهدینی در تفسیر قرآن امری انکارناپذیر است. از آنجاکه در تورات - خواه درست یا نادرست - توضیح بسیار بیشتری در باب قصص انبیاء ذکر شده است، رجوع مفسران به ویژه اهل سنت در دوره‌های گوناگون به تورات بیشتر بوده است. برخی دیگر نیز برای تبیین مجمل‌ها و گاهی ابهام‌های قرآن به سراغ کتب عهدینی می‌رفته‌اند. موضوعات اخلاقی و تربیتی، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و مهم‌تر از همه، وقایع تاریخی بسترهایی بوده‌اند که مفسران را به سوی کتب عهدینی سوق می‌داده است؛ اما برای بررسی ادعای فایرستون باید فهمید که میزان و انگیزه مفسران از استفاده از کتب عهدینی به چه میزان بوده است؟

برخی از مفسران در برخورد با مطالب تازه در کتب عهدینی روایات را با سند بیان نموده‌اند؛ اما جز تعداد اندکی به نقد آنها نپرداخته و سنجش صحت و سقم مطالب

را بر عهده خواننده گذاشته‌اند؛ مانند تفسیر طبری، خازن و ثعلبی که از کتب مرجع ادعاهای فایرستون هستند. بعضی مانند تفسیر الکبیر فخر رازی، بر اساس اصول اعتقادی و کلامی مطالب را ارزیابی می‌کند و به نقد آنها می‌پردازد؛ برخی نیز مانند علامه طباطبایی با عرضه روایات برگرفته از مطالب عهدینی به قرآن، سعی در جدا کردن سره از ناسره داشته‌اند (معرفت، ۱۳۸۷ ه. ش، ج ۲، ص ۱۴۰ و ۳۱۳). با توجه به مطالب ذکرشده، میزان استفاده، هدف و رویکرد بهره‌مندی از مطالب عهدینی تحت هر نام و نشانی که باشد، در جرگه اقتباس قرار نمی‌گیرد.

۲-۳. نقد مرحله دوم: رد غیرمشترکات بین قرآن و تفاسیر و کتب عهدین

از میان تفاوت‌های داستان ابراهیم و جزئیات آن بین قرآن و تفاسیر و تورات، دو داستان برای فایرستون جالب‌تر بوده است؛ چراکه در ادامه، فرضیه خود را بر اساس آنها بنا می‌کند.

۳-۱-۲. تفاوت نگاه تورات و قرآن و تفاسیر به ایمان و نسب هاجر

درباره ایمان هاجر (ع) بین منابع و روایات اسلامی با منابع عهدینی به‌ویژه یهودی تفاوت نظر وجود دارد؛ چراکه هاجر در منابع اسلامی زنی با ایمان و پرهیزکار معرفی می‌شود که به دلیل تسلیم بودن در برابر امر پروردگار، مورد احترام اولیای الهی و مسلمانان قرار گرفته است (صدوق، ۱۳۱۴ ه. ش، ج ۲، ص ۱۹۳)؛ به همین سبب هاجر زنی شایسته و برازنده برای انتخابش در جایگاه جد مادری پیامبر اسلام و مادر اعراب دانسته می‌شود؛ اما منابع یهودی در ایمان هاجر تردید دارند (Firestone, 1990, 65). فایرستون نیز ایمان هاجر را باور ندارد و معتقد است مسلمانان شخصیت وی را تطهیر کرده‌اند تا پاسخی جدلی باشد در برابر عبارات سفر پیدایش ۲۱:۱۹ (Firestone, 1990 75).

از سوی دیگر از نظر فایرستون، هاجر عرب نیست و شجره‌نامه‌اش ساختگی است و ابوهیره با استفاده از منابع عبری آن را تهیه کرده و وارد منابع اسلامی کرده است تا توجیهی باشد بر اینکه هاجر را به واسطه تولد اسماعیل (ع)، جد پیامبر اسلام و مادر اعراب معرفی کنند. (Firestone, 1990: 33)

۳-۲-۲. تفاوت نگاه تورات و قرآن و تفاسیر درباره اسماعیل

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نگاه تورات و البته عالمان یهودی به اسماعیل (ع)، نامحترمانه و توهین‌آمیز است. در این قسمت به شرح این مسئله و نقد آن می‌پردازیم.

۳-۲-۲-۱. مفهوم‌شناسی واژه para

در آیه ۱۲، فصل ۱۶ از سفر پیدایش، در توصیف اسماعیل (ع) از واژه para استفاده شده است.^۳ این واژه در ترجمه‌های مختلف، به مرد وحشی و تعبیرهای نظیر آن معنا شده است؛ درحالی‌که با توجه به سفر پیدایش (۱۷: ۲۰)، سفر تثنیه (۲۸: ۴) و سفر پیدایش (۳: ۳)، واژه پارا برای گاو به کار می‌رود که نماد ثمردهی و برکت بسیار در آیین یهود است؛ همچنین حرف اضافه «با» را به صورت «بر ضد» ترجمه کرده‌اند.^۴ با توجه به این امر ترجمه عبارت چنین خواهد بود:

«و او مردی پرثمر خواهد بود، دست وی با هر کس و دست هر کس با او و پیش روی همه برادران خود ساکن خواهد بود» (سفر پیدایش ۱۶: ۱۲). در جای دیگر این عبارت مورد تأکید قرار می‌گیرد: «درباره اسماعیل، تو را اجابت فرمودم. اکنون او را برکت داده، بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم. دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم» (سفر پیدایش ۱۷: ۲۰).

۳-۲-۲. اسماعیل دشمن یهودیان

یکی از باورهای معتقدان به کتب عهدینی این است که اسماعیل و پسر برادرش عیسو با زنانی ازدواج کردند که بی دین بودند و به خدا ایمان نداشتند؛ از این رو بر همسران خود تأثیر بسیار گذاردند و فرزندان و نسل آنان به دشمنی با بنی اسرائیل پرداختند و مشکلات زیادی را در تاریخ برای آنان به وجود آوردند. هرچند همسران آنها به سمت خدا بازگشتند، نسل آنان دشمنان بنی اسرائیل بودند (سفر پیدایش ۳۴: ۲۶-۳۵؛ سفر پیدایش ۲۸: ۶-۹؛ سفر پیدایش ۳۶: ۶-۸؛ سفر پیدایش ۳۶: ۱-۳؛ سفر اعداد ۲۰: ۱۸-۲۱؛ سفر اعداد ۵۵: ۳۳-۵۶؛ سفر داوران ۱۷: ۱۱؛ سفر اول سموئیل ۱۴: ۱).

۳-۳. نقد مرحله سوم: پیوند دادن غیرمشتراکات به برتری طلبی مسلمانان

فایرستون در این مرحله برای رسیدن به نتیجه برتری طلبی مسلمانان، به سه موضوع اشاره می‌کند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۳-۱. توجه مفسران به مکه و برجسته کردن اسلام

نباید از ذهن دور داشت که فضایل تراشی برای شهرها موضوعی است که در تاریخ اسلام سابقه دارد و احتمالاً همین مسئله سبب شده است فایرستون چنین مغلطه‌ای را پایه‌گذاری کند؛ اما پرداختن به مکه به سبب وجود خانه کعبه در آن، مسئله‌ای است که همواره در میان ادیان ابراهیمی مطرح بوده است. در پی اشاره قرآن در آیات ۹۶ و ۹۷ سوره «آل عمران» به بکه و اینکه اولین مکان عبادت خداوند در بکه بوده است، محققان به جستجو درباره مکان آن پرداختند. از سوی دیگر اندیشمندان مسلمان مدعی هستند در کتب عهدین به مکه و کعبه اشاره شده است و یهودیان و مسیحیان از آن خبر

داشته‌اند؛ این اشاره در عهد عتیق (مزامیر، باب ۸۴، آیات ۱ تا ۷) ذکر شده است. در آیات ذکرشده تورات آمده است: «خوشا به حال آنانی که در خانه تو ساکن‌اند که تو را همواره تسبیح (صلاه) می‌خوانند». نکته‌ای که در این آیات اشاره شده، خانه‌هایی که در آن همواره تسبیح خدا گفته می‌شود و به اصطلاح «صلاه» برگزار می‌گردد که در وادی بکا قرار دارد و چشمه‌ای که برکت در آن جریان دارد، همان مکه و کعبه‌ای است که در آیه ۹۶ و ۹۷ سوره «آل عمران» از آن یاد شده است.

۳-۳-۲. تغییر مصداق ذبیح در تفاسیر

فایرستون معتقد است امپراتوری اسلام در زمان عباسیان، سال‌های اوج خود را می‌گذراند و از نظر سیاسی نیز با ایرانیان کشمکش داشت و برای اینکه خود را برتر از ایرانیان نشان دهد، ذبیح را اسماعیل معرفی می‌کند تا جایگاه خود را مستحکم‌تر سازد؛ چراکه اسماعیل جد اعراب و پیامبر است (Firestone, 1989: 131).

مطالعه تاریخ عباسیان نشان می‌دهد آنان برخلاف امویان که به تحقیر نژادهای دیگر و موالی به‌ویژه ایرانیان می‌پرداختند، تمایل بسیاری به نزدیک شدن به ایرانیان و استفاده از آنان در امور حکومتی و دربار داشتند؛ نمونه این نزدیکی، روی کارآمدن دولت برمکیان در دوره حکومت هارون الرشید است که نزدیک به دو دهه به طول انجامید و عصر تثبیت و اوج حکمرانی عباسیان است (El-Hibri, 2010: 282).

۳-۳-۳. زدودن اسرائیلیات

سومین عامل برتری طلبی مسلمانان از نظر فایرستون، اسرائیلیات است. او معتقد است مسلمانان در اواخر قرن هشتم میلادی، به دلیل رشد غرور اسلامی و نگرانی از هویت

یکپارچه و همگون و استانداردسازی عمل در میان اقوام متنوع تازه مسلمان، دست به تصفیه منابعشان (به ویژه منابع فقهی) از اسرائیلیات زده‌اند (Firestone, 1990: 9).

با تأمل در موضوع اسرائیلیات پی می‌بریم این مسئله بیشتر در بستر داستان انبیا و تاریخ و یافتن مصداق برای مواردی انجام گرفته که در قرآن به اجمال به آنها پرداخته شده است. از سوی دیگر در مطالعات عصر اخیر همواره مطرح می‌شود که عالمان مسلمان بیشتر به حفظ و صحت روایات مربوط به احکام حلال و حرام دقت نظر داشته‌اند تا تاریخ، تفسیر قرآن، اخلاق و...؛ زیرا مسائل مربوط به فقه و احکام را برای حفظ دین مسلمانان بسیار مهم‌تر می‌دانسته‌اند. همین مسئله یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های وارد شده به بدنه دین و اعتقادات اسلامی بوده است (شجاعی و همکار، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۷۲). از آنجاکه اواخر قرن هشتم میلادی مصادف با نیمه دوم قرن دوم هجری است، تاریخ مورد نظر فایرستون برابر با عصر تدوین منابع اولیه اهل سنت (صحاح سته) است. صرف نظر از اینکه آیا تمامی روایات گردآوری شده در این کتب صحیح هستند یا خیر، باید به این نکته توجه کرد که مؤلفان و مدونان این کتب سعی و تلاش بسیاری نموده‌اند که به زعم خویش آثارشان خالی از هرگونه ضعفی باشد؛ اگرچه بعدها عالمان بسیاری از میان خود اهل سنت به نقد و پیرایش منابع اولیه خود پرداختند و بسیاری از روایات این کتب را ضعیف و حتی جعلی دانسته‌اند (حسینی میلانی، ۱۳۸۹ ه.ش، ص ۹۹ - ۱۰۰).

نمونه بارز ورود اسرائیلیات در منابع مسلمانان که تأثیر بسیار زیادی در فتاوی فقهی عالمان شیعه و اهل سنت دارد، روایات مربوط به زنان است که تقریباً با رخنه به تمام سطوح احکام مربوط به زنان، به آنان آسیب زده است. اگر بر اساس نظریه فایرستون مسلمانان در دوران مفروض مانع از ورود اسرائیلیات شده‌اند، چگونه امروز موضوعات اسرائیلی را از منابع فقهی کشف می‌کنند؟ (مهدوی راد و دیگران، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۱۱۹ - ۱۳۹).

۳-۴. نقد مرحله چهارم: مرحله‌بندی تغییرات

فایرستون در مرحله چهارم معتقد است درج باورهای زیربنایی برای مصادره ابراهیم و اسلامیزه کردن وی، طی مراحل از تفاسیر صدر اسلام آغاز شده است. وی به طور موردی معتقد است تفاسیر امام علی (ع)، ابن عباس و مجاهد این مهم را بر عهده داشته‌اند. دلیل وی بر این ادعا، یافتن سرچشمه پیشااسلامی یا عهدینی برای پدیده‌هایی است که در داستان زندگی ابراهیم وجود دارد. (Firestone, 1992: 5 – 24)

۳-۴-۱. تفسیر ابن عباس

چگونه در بسیاری از منابع آمده است که ابن عباس همگان را از رجوع به اهل کتاب باز می‌داشت و انذار می‌داد (بخاری، ۱۴۰۵ هـ، ج ۹، ص ۱۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱۳، ص ۳۳۴)؛ اما خود از آن منابع بدون آنکه آن را نقد کند، به گسترده‌گی نقل کرده است؟ این اتهام‌ها با این توضیح که رجوع ابن عباس به منابع اهل کتاب به منظور جستجو و بحث عالمانه بوده و نه تقلیدی، پاسخ داده شده است؛ زیرا از سیره ابن عباس چنین به دست می‌آید که در تفسیر قرآن از همه منابع استفاده می‌کرد، اما در نهایت با استفاده از عقل و اجتهاد به تمیز سره از ناسره می‌پرداخت (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳ هـ.ش، ص ۳۸).

۳-۴-۲. تفسیر مجاهد و امیرالمؤمنین (ع)

اشکالی که فایرستون به تفسیر مجاهد وارد می‌کند، استفاده از موجودات ماورایی مانند براق یا سکینه است که بیان‌کننده استفاده او از افسانه‌های پیشااسلامی و همچنین بهره‌بردن از آیات قرآن برای پیوند دادن داستان ابراهیم به اسلام است (Firestone, 1992: 5 – 24). تفسیر مجاهد به زبان عربی به شیوه روایی در هشت جلد موجود است (نیل‌ساز و دیگران،

۱۳۹۲ هـ. ش، ص ۸۹ - ۱۱۵). این تفسیر در کتب معتبر سنی و شیعه بسیار نقل شده است؛ بیشتر آن را طبری در تفسیر خویش و نیز بخاری و شافعی و دیگران از عامه در کتب خود ضبط کرده‌اند و همچنین در تفسیرها و کتب معتبر شیعه مانند کتب اربعه از او بسیار نقل شده است (معرفت، ۱۳۷۹ هـ. ش، ج ۲، ص ۱۴۱).

بر اساس تحقیقات انجام شده، متنی که منسوب به امیرالمؤمنین (ع) و البته در دسترس باشد، تفسیر امیرالمؤمنین معروف به «تفسیر ستین نوعاً من انواع علوم القرآن» است که علامه مجلسی در جلد ۱۹ بحار الانوار تمامی این تفسیر را به نقل از ابی عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی و نعمانی از حافظ بن عقده به سند متصل به امام صادق (ع) نقل و روایت کرده است. سید محسن امین عاملی پس از ذکر طریق روایت این تفسیر به واسطه استادش شیخ محمد طه نجف، تمامی تفسیر امیرالمؤمنین (ع) را ذکر و چاپ کرده است (امین، ۱۴۰۳ هـ. ش، ج ۱، ص ۸۸؛ صدر، ۱۴۳۸ هـ، ص ۳۱۶؛ سیوطی، ۱۳۹۲ هـ. ش، ج ۲، ص ۵۸۹؛ تهرانی، ۱۳۵۷ هـ. ش، ج ۴، ص ۲۳۳؛ میرسجادی و صدر، ۱۴۲۷ هـ، ص ۴۹).

بررسی بخش نکته‌ها در کتاب فایرستون نشان می‌دهد که او مطالب منسوب به تفسیر امیرالمؤمنین (ع) را از تفسیر و تاریخ طبری نقل می‌کند؛ از این رو نمی‌توان گفت به راستی وی از این تفسیر استفاده کرده و به آن ارجاع داده است (Firestone, 1990: 207). همچنین توجه به مسیر زندگی و اتفاقات رخ داده برای ابراهیم نبی (ع)، هر خواننده و مخاطبی را درگیر حجم قابل تأمل و معنادار رویارویی با امور ماورایی می‌کند. سرد و گلستان شدن آتش نمرود برای حضرت، سنگ شدن دست فرعون که به ساره نظر سوء داشت، گفتگو با فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط و... تنها چند نمونه از این امور هستند. چرا باید برای این مخاطب، عجیب و دور از ذهن باشد که رخدادهای قبلی برای ابراهیم اتفاق بیفتد؛ اما مثلاً موجودی مانند سکینه یا براق که وسیله نقلیه ابراهیم بوده است، زاییده تخیل یا افسانه‌های جاهلی

پیش از اسلام باشد؟ به نظر می‌رسد خرده‌گرفتن به موجودات ماورایی، مسئله‌ای است که فایرستون آن را بهانه‌ای برای زیر سؤال بردن دیگر تفاسیر نیز قرار داده است.

نکته دیگری که سبب می‌شود نگارنده تصور کند فایرستون با امور ماورایی غریبه نیست، اما در پژوهش خود غرض‌ورزانه این دست مسائل را از سرچشمه‌ای متفاوت ذکر می‌کند، متن تورات است که فایرستون به سبب خاخام و عالم یهودی بودنش، به یقین از آن مطلع بوده است و آن چیزی نیست جز اموری که بیشتر انبیای مذکور در تورات با آن سروکار داشته‌اند؛ مثل اینکه یعقوب نبی با خداوند کشتی می‌گیرد و پیروز می‌شود. با چشم‌پوشی از صحیح بودن چنین مطلبی، چگونه است که دست و پنجه نرم کردن با خالق هستی، ماورایی نیست؛ اما امور ماورایی مربوط به ابراهیم نبی در منابع اسلامی نماینده منشأ اسطوره‌ای و افسانه‌های بشری است؟! درحالی که حضور موجودات ماورایی و البته افسانه‌ای و اسطوره‌ای در تورات بیشتر جلب توجه می‌کند، اگرچه در ترجمه‌های جدیدتر آن سعی در توجیه و مخفی کردن آن داشته‌اند؛ برای مثال تنها به یک مورد اشاره می‌شود:

لویاتان یا لوتان یا لویاتان (انگلیسی: Leviathan و عبری: לִוְיָתָן) هیولای اژدهای عظیم‌الجثه‌ای اسطوره‌ای است که از دریا سرک می‌کشد و مثل و مانند ندارد (Harris, 1999: 472). لویاتان، هیولایی اسطوره‌ای است که از اسطوره‌های اوگاریتی به عهد عتیق و تفاسیر یهودی راه یافته است. پس از تغییر شکل در گذر زمان، به مکاشفه یوحنا ورود می‌کند و در سنت دیوشناسی مسیحی، یکی از شاهزاده‌های جهنم می‌شود (نامور مطلق و پیردهقان، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۱۱۹ - ۱۲۰). لویاتان در اساطیر یهودی و عبری، یک مار بزرگ اصل نخستینی است که نماد کشتار جمعی، سیل، اقیانوس‌ها و زمستان است و در مکانی در دریا زندگی می‌کند. (day, 1985: 45) این موجود در کتاب ایوب (باب ۴۱)، مزامیر (۷۴: ۱۴)، اشعیا (۲۷: ۱) و مزامیر (۱۰۴: ۲۶) ذکر شده است.

با توجه به این مطلب فایرستون یا باید بپذیرد تورات هم مانند قرآن و تفاسیرش که به ادعای او بشری و برگرفته از منابع اسطوره‌ای و افسانه‌ها هستند، منابع و مراجع اسطوره‌ای دارد یا اعتراف کند وجود چنین اموری به معنای بشری بودن و ساخته خیال و اوهام بودن قرآن و تفاسیر مربوط به آن نیست.

۳-۵. نقد مرحله پنجم: تلاش برای اثبات تحریف

در این مرحله از تئوری تکامل، فایرستون با تکیه بر چند مسئله می‌کوشد مدارک و دلایلی برای تئوری خود معرفی کند.

۳-۵-۱. هاجر و قبیله جرهم، حلقه وصل اسماعیل به اسلام

نکته‌ای که فایرستون سعی در ندیدن آن دارد و آثار و تلاش‌های بسیاری انجام داده تا آن حقیقت را انکار کند یا با فرافکنی آن را به عهده قبیله جرهم، هاجر یا مفسران قرآن بیندازد، حقیقتی عینی و تاریخی است که نه تنها برای فایرستون، بلکه برای دیگر مستشرقان دردناک است و آن تحقق وعده الهی به ابراهیم (ع) است. خداوند در تورات با چند عبارت به ابراهیم وعده می‌دهد که نسل و ذریه تو را در زمین به گونه‌ای می‌گسترانم که نتوان شمرد یا مانند ستارگان آسمان شمارش شدنی نیستند، جاوید می‌گردانم، به آنها برکت می‌دهم و ... (سفر پیدایش ۱۲: ۱-۳؛ سفر پیدایش ۱۳: ۱۴-۱۶؛ سفر پیدایش ۱۵: ۱۸)؛ اما به این شرط که بر پادشاهان کافر مسلط شوند و خداوند سرزمین موعود از نهر مصر تا نهر فرات را به آنها ببخشد (سفر پیدایش، ۱۵: ۱۸).

مفسران تورات معتقدند که این وعده‌ها همه در حق اسحاق محقق شده است و اسماعیل در آن سهمی ندارد. حاج بابا قزوینی یزدی که خود یهودی بود و سپس مسلمان شد، معتقد

است این تفسیر کاملاً اشتباه است و هیچ‌کدام از این وعده‌ها در حق اسحاق محقق نشد، بلکه در حق اسماعیل محقق شده است. با توجه به حقایق عینی، قرن‌هاست که محدوده سرزمین موعود یعنی نیل تا فرات در تصرف و تسلط فرزندان و نسل ابراهیم است؛ اما نه از نسل اسحاق، بلکه اعراب و مسلمانان هستند که در سرزمین موعود سکنی دارند و باعث مجد و تکریم ابراهیم نزد جهانیان شده‌اند که نشان‌دهنده تحقق وعده خداوند به ابراهیم است؛ همچنین بنی اسرائیل قومی محصور بودند و به‌ندرت با غیر خود ازدواج می‌کردند و قوم خود را بزرگ نمی‌کردند؛ پس گسترده شدن به گونه‌ای که نتوان آنها را شمرد، هرگز محقق نشد. از سوی دیگر بنی اسرائیل هرگز همه زمین را تصرف نکردند و تنها بر چند تن از آن پادشاهان کافر پیروز شدند. به رود فرات هم که حتی نزدیک نشدند، چه رسد به آنکه بر آن مسلط شوند (قزوینی یزدی، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۲۵ - ۴۹)؛ اما فایرستون و دیگر محققان مستشرق چنین حقیقتی را بر نمی‌تابند.

۳-۵-۲. تقدم و تأخر در ذبیح ابراهیم

با توجه به سفر پیدایش (باب ۱۶، آیات ۱۵ و ۱۶)، سفر پیدایش (۱۷: ۱۶ و ۲۱: ۹ تا ۱۴ و ۱۶ تا ۲۰) تحریفی که در تورات انجام گرفته و فایرستون نیز دانسته یا نادانسته آن را لغزش و اشتباه قرآن می‌داند، این است که این وقایع در تورات جابجا شده است؛ یعنی اولاً ماجرای ذبح را که قبل از تولد اسحاق اتفاق افتاده، به بعد از تولد اسحاق منتقل کرده‌اند. ثانیاً تولد اسحاق را بلافاصله بعد از تولد اسماعیل قرار داده‌اند؛ چرا که در زمان هجرت هاجر و اسماعیل به مکه، اصلاً اسحاق (ع) متولد نشد بود که هم‌بازی اسماعیل شود و اسماعیل او را بیازارد. به همین دلیل مفسران و مترجمان تورات نتوانسته‌اند حواشی این جابجایی را به طور صحیح بازسازی کنند؛ از این رو اختلاف سن اسماعیل و اسحاق و وصف تشنگی اسماعیل بر اساس تورات که در بیابان کودکی خردسال بود، دسیسه آنان را برملا کرده است.

از نظر زمانی، بشارت به تولد اسحاق کمی قبل از عذاب قوم لوط اتفاق افتاده است (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ، ج ۱۰، ص ۵۰۰) و نظر فایرستون صحیح است؛ اما این واقعه قبل از سفر ابراهیم و هاجر و اسماعیل به مکه نبوده است. از نظر مکانی نیز شاید بتوان نظری را پذیرفت که مهمان شدن فرشتگان عذاب قوم لوط و بشارت به تولد اسحاق در سوریه اتفاق افتاده است؛ چراکه در تاریخ گزارش نشده پس از هجرت هاجر و اسماعیل به مکه، ساره از سوریه خارج شد. ولی این مسئله ارتباط و پیوندی با داستان ذبح ندارد که بتوان از آن نتیجه گرفت چون بشارت تولد اسحاق در سوریه رخ داد، لزوماً اتفاق‌های مربوط به ذبیح نیز در سوریه به وقوع پیوست و در نتیجه ذبیح اسحاق است.

۳-۵-۳. نذر ابراهیم برای قربانی کردن فرزندش

بر اساس آیه ۱۰۲ سوره «صافات»، ابراهیم در خواب می بیند که به دستور خداوند باید فرزند خود را ذبح کند. طبق نقل برخی از تفاسیر، این اتفاق چند مرتبه تکرار می شود (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ، ج ۱۷، ص ۲۳۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴هـ.ش، ج ۱۶، ص ۱۰۱). اما فایرستون با استناد به تفسیر طبری مدعی است ابراهیم برای فرزنددار شدن نذر می کند تا آن را برای خداوند قربانی کند. خداوند این نذر را در موعد مقرر به ابراهیم یادآوری می نماید و دستور به قربانی، امری ابتدایه ساکن از سوی خداوند نبوده است (طبری، ۱۳۵۶هـ.ش، ج ۵ - ۶، ص ۱۵۳). از نظر فایرستون، بحث نذر اسماعیل افزوده‌ای اسلامی است که قرآن برای پرکردن خلأ بین عمل قربانی و دستور خداوند مطرح کرده است (Firestone, 1990: 115).

در نقد این ادعا باید گفت عمل نذر فرزند برای خداوند در دیگر ادیان نیز وجود داشته است؛ از این رو این موضوع نکته‌ای نیست که قرآن یا مفسران آن را ابداع کرده باشند؛ برای مثال قرآن در آیه ۳۵ سوره «آل عمران» اشاره می کند که مادر مریم (س) برای فرزنددار شدن نذر می کند که او را به خدمت خداوند در بیت المقدس بگمارد.

همچنین نذر قربانی کردن موجود زنده، رسمی است که از زمان آدم (ع) وجود داشت و داستان هابیل و قابیل در همه ادیان الهی شناخته شده است؛ از این رو ادعای فایرستون مبنی بر اینکه نذر عبدالمطلب می‌توانست برگرفته از محیط‌های مشرکانه پیش از اسلام باشد، زیر سؤال می‌رود؛ چراکه اگر بپذیریم واقعاً عبدالمطلب چنین نذری کرده باشد که اگر ده پسر داشت یکی از آنها را قربانی کند، با تأسی به ابراهیم نبی و داستان فدیة شدن گوسفند یا قوچ به جای اسماعیل بوده است. ضمن اینکه برخی از اندیشمندان بر این باورند خدا واقعاً نمی‌خواست اسماعیل ذبح شود؛ چون فایده و خاصیتی نداشت که پدری به دست خودش پسرش را بکشد، بلکه سنتی بود که قبلاً انسان‌ها را می‌کشتند و ابراهیم می‌بایست این سنت را نسخ کند (مطهری، ۱۳۷۶ ه.ش، ج ۲۵، ص ۱۱۵ - ۱۱۶). البته اصل صحیح بودن روایت و داستان نذر عبدالمطلب نیز دارای خدشه است (امینی و دیگران، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۲۹۵ - ۳۲۰).

۳-۶. نقد مرحله شش: مصادره ابراهیم (ع)

فایرستون در این مرحله با استفاده از چند مسئله به تکمیل تئوری خود می‌پردازد. در ادامه به اختصار تنها به یک مورد اشاره می‌شود.

۳-۶-۱. ذبیح بودن اسحاق

طرح این تئوری که ذبیح در تفاسیر قرآن تا قرن ششم اسحاق بوده است و پس از آن مصداق ذبیح را اسماعیل معرفی کرده‌اند. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، فایرستون مدعی است دلیل تفاوت مصداق ذبیح در تفاسیر قرآن، غرور و تبختر مسلمانان در عصر عباسیان است و تا قرن هشتم و نهم میلادی که معادل نیمه دوم قرن دوم هجری است، مفسران قرآن ذبیح را اسحاق می‌دانستند؛ اما در آن دوره به دلایلی که پیش‌تر نیز اشاره شد، ذبیح به اسماعیل تغییر کرد.

در این قسمت بر آنیم تفسیر آیات ۱۰۰ تا ۱۱۱ سوره «صافات» را در تفاسیر قرن دوم تا هشتم که دوران صعود و نزول عباسیان است، بررسی کنیم تا صحت ادعای فایرستون ارزیابی شود.

در جدول زیر به تفکیک قرن، تفاسیری که ذبیح را اسحاق یا اسماعیل معرفی کرده‌اند، ارائه می‌شود:

قرن	تفاسیری که ذبیح را اسحاق می‌دانند	تفاسیری که ذبیح را اسماعیل می‌دانند
۱	تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۳، ص ۶۱۴	معانی القرآن، ج ۲، ص ۳۸۹
۲		تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۲۵ تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۳، ص ۴۰۱
۳	جامع البیان، ج ۲۳، ص ۴۸ تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰ ص ۳۲۲۰ بحرالعلوم، ج ۳، ص ۱۴۸	تفسیر ابن ابی‌زمین، ج ۲، ص ۲۱۴
۴	الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۵۰	التبیان فی التفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۱۸ لطائف الاشارات، ج ۳، ص ۲۳۸ احکام القرآن، ج ۴، ص ۳۵۸
۵	زادالمسیر فی علم التفسیر، ج ۳، ص ۵۴۷ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۵۷	مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ج ۸، ص ۷۰۷ مفاتیح الغیب، ج ۲۶، ص ۳۵۱ روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۶، ص ۲۲۰ کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۸، ص ۲۹۳
۶	الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۵، ص ۹۹	انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۵، ص ۱۵ تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص ۱۸۳ نهج البیان عن کشف معانی القرآن، ج ۴، ص ۲۹۵

قرن	تفاسیری که ذبیح را اسحاق می‌دانند	تفاسیری که ذبیح را اسماعیل می‌دانند
۷		تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۲۳ البحر المحيط فی التفسیر، ج ۹، ص ۱۲۰ غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۵، ص ۵۷۱ تفسیر النهر الماد من بحر المحيط، ج ۲، ص ۸۱۰
۸		جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۴ تفسیر الجلالین، ج ۱، ص ۴۵۲

همان‌گونه که این جدول نشان می‌دهد، بیشتر تفاسیر این دوره ذبیح را اسماعیل معرفی کرده‌اند که گویای پوشالی بودن ادعای فایرستون است.

نتیجه

یافته‌های پژوهش به قرار زیر است:

۱. فایرستون منابع اسلامی را متهم به ضعف می‌کند؛ درحالی‌که از سویی دلایل کافی و محکمی بر این ادعا ندارد و از سوی دیگر، هیچ ارزیابی درباره منابع یهودی ارائه نمی‌کند و سربسته آنان را حجت و معیار در برابر منابع اسلامی حتی قرآن می‌داند.
۲. با مطالعه آثار فایرستون اعم از کتاب و مقالات در موضوع ابراهیم (ع) و خانواده‌اش و هر مسئله‌ای که به ایشان مربوط می‌شود، نوعی روند مرحله به مرحله مشاهده می‌شود که توجه مخاطب را خود جلب می‌کند؛ به این معنا که فایرستون در ابتدا در برخی مطالب به تأیید و تعریف و تمجید از قرآن می‌پردازد؛ اما در ادامه و در روند عمیق و جزئی‌تر شدن مباحث، دیدگاه‌های دیگری مطرح می‌کند. به بیان دیگر فایرستون درباره ابراهیم و خانواده‌اش و مسائل مربوط به آنها نظریه تکامل را ارائه می‌دهد.

۳. در نظریه تکامل فایرستون بیان می‌شود که مسلمانان در قرون اولیه تا عصر عباسیان در تفاسیر خود به دلیل برتری طلبی در برابر دیگر ادیان، مصداق ذبیح را از اسحاق به اسماعیل تغییر داده‌اند تا ابراهیم (ع) را مصادره کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. این موسسه آموزشی-دینی در سال ۱۸۷۵ در اورشلیم تأسیس شد و اکنون دارای پنج پردیس در لس‌آنجلس، نیویورک، اوهایو، نیویورک و سینسیناتی آمریکاست.

2. www.HebrewUnionCollege.edu.

۳. ׀כשי ויחא לכ ינפ לעו וב לכ דיו לכב ודי מדא ארפ היהי אוהו

و او مردی وحشی خواهد بود، دست وی به ضد هر کس و دست هر کس به ضد او و پیش روی همه برادران خود ساکن خواهد بود.

4. <https://www.noorpods.com>.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم. (۱۳۷۳ ه.ش). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی. قم: دار القرآن الکریم.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ ه). تفسیر القرآن العظیم. ریاض: مکتبه نزار مصطفی‌الباز.
- ابن ابی‌زمین، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۴ ه). تفسیر ابن ابی‌زمین. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکریم. (۱۳۸۵ ه.ش). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ ه). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن حجر عسقلانی. (۱۴۰۸ ه). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: [بی‌نا].
- ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۲۲ ه). تفسیر ابن عربی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ ه). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ هـ). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.

ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۰۷ هـ). *تفسیر النهر الماد من البحر المحيط*. بیروت: دار الجنان.
امین، سید محسن. (۱۴۰۳ هـ). *اعیان الشیعه*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
امینی، نوروز؛ محسن رفعت؛ و علی حسن نیا. (۱۴۰۰ هـ.ش). «تحلیل انتقادی متون نقلی اسلامی و پیشااسلامی در تعیین هویت قربانی ابراهیم». *پژوهش‌های قرآن و حدیث*. س ۵۴، ش ۲. ص ۲۹۵-۳۲۰.
بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ هـ). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: احیاء التراث العربی.
بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ هـ). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۲۴ هـ). *السنن الکبری*. محقق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.

تهرانی، آقابزرگ. (۱۳۵۷ هـ.ش). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. تهران: انتشارات اسلامیه.
ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ هـ). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
ثعلبی نیشابوری. ابواسحاق. (۱۴۲۲ هـ). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
جوده السحار، عبدالحمید. (۱۹۹۲ م). *اضواء علی السیره النبویه و مقارنه بین الادیان*. قاهره: مکتبه مصر، دار مصر.

حسینی میلانی، سید علی. (۱۳۸۹ هـ.ش). *جواهر الکلام فی معرفه الامامه و الامام*. قم: الحقائق.
رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۳ هـ.ش). *مناهج و اتجاهات لتفسیر القرآن*. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ هـ). *الکشاف عن حقائق الغوامض التنزیل*. بیروت: دار الکتب العربی.
سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد. [بی تا]. *بحرالعلوم*. بیروت: دار الفکر.
سیوطی، جلال الدین. (۱۳۹۲ هـ.ش). *الاتقان فی علوم القرآن*. مترجم: سید مهدی حائری قزوینی.
تهران: امیرکبیر.

شجاعی، حسین؛ و همکار. (۱۳۹۶ هـ.ش). «بررسی انتقادی روش مفسران قرآن کریم در بیان تاریخ». *دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*. س ۵، ش ۲. ص ۸۵-۶۱.

- شیبانی، احمد بن محمد بن حنبل. (۱۴۲۱ هـ). مسند احمد بن حنبل. محقق: عادل مرشد الأرئوط شعیب. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- شیبانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ هـ). نهج البیان عن كشف معانی القرآن. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی. صدر، سید حسن. (۱۴۳۸ هـ). تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام. قم: مؤسسه تراث الشیعه. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۱ هـ.ش). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____. (۱۴۰۳ هـ). الخصال. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____. (۱۴۱۳ هـ). من لایحضره الفقیه. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴ هـ.ش). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ هـ.ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ هـ). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.
- طبری، عمادالدین. (۱۳۵۶ هـ.ش). تفسیر طبری. به اهتمام حبیب یغمایی. تهران: توس.
- طوسی، محمد بن حسن. [بی تا]. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عهد عتیق. (۱۳۹۳ هـ.ش). مترجم: پیروز سیار. تهران: نشر نی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ هـ). تفسیر کبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰ م). معانی القرآن. مصر: دار المصریه للتالیف و الترجمه.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ هـ.ش). الجامع لأحكام القرآن. تهران: هران، ناصر خسرو.
- قزوینی یزدی، حاج بابا. (۱۳۷۸ هـ.ش). رساله ای در ردّ یهودیت. قم: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی حضور.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. [بی تا]. لطائف الاشارات. مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ هـ). تفسیر قمی. قم: دار الکتب.
- القنوجی البخاری، ابوالطیب السید محمد صدیق خان. (۱۴۰۵ هـ). الحطه فی ذکر الصحاح الستة. بیروت: دار الکتب العلمیه.

کیا هراسی، علی بن محمد. (۱۴۲۲ هـ). احکام القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیه.
محلی، جلال‌الدین؛ و جلال‌الدین سیوطی. (۱۴۱۶ هـ). تفسیر الجلالین. بیروت: مؤسسه النور
للمطبوعات.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶ هـ.ش). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۹ هـ.ش). تفسیر و مفسران. قم: التمهید.
_____. (۱۳۸۷ هـ.ش). التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب. مشهد: الجامعه الرضويه للعلوم الاسلاميه.
مهدوی‌راد، محمد علی؛ جلیل پروین؛ و رویا عرب علیدوستی. (۱۴۰۰ هـ.ش). «تحلیل تأثیر روایات
اسرائیلی بر آراء فقهی مفسران تا پایان قرن ۵ (با تأکید بر خلقت حواء در سفر پیدایش)».
مطالعات فهم حدیث. دوره ۷. ش ۲. ص ۱۱۹ - ۱۳۹.

میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ هـ.ش). کشف الاسرار و عده الابرار. تهران: امیرکبیر.
میرسجادی، مرتضی؛ و سید حسن صدر. (۱۴۲۷ هـ). الشیعه و فنون الاسلام. قم: مؤسسه السبطین (ع) العالمیه.
نامور مطلق، بهمن؛ و مریم پیردهقان. (۱۳۹۱ هـ.ش). «چگونگی شکل‌گیری اسطوره شیر لویاتان با
تکیه بر نقد اسطوره شناختی نورتروپ فرای». ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی فلسفه دین معاصر/
بخش شر و الهیات.

نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد. (۱۴۱۶ هـ). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت: دار
الکتب العلمیه.

نیل‌ساز، نصرت؛ نهله غروی نائینی؛ و الهام زرین‌کلاه. (۱۳۹۲ هـ.ش). «تفسیر مجاهد، بررسی اصالت،
سند، متن و بیان مبانی آن». کتاب قیم، دوره ۳. ش ۹. ص ۸۹ - ۱۱۵.

هواری، هود بن محکم. (۱۴۲۶ هـ). تفسیر کتاب الله العزیز: الجزایر: دار البصائر.

Chase F. Robinson, 2010, Cambridge University Press

Day, J, (1985), God's Conflict with the Dragon and the Sea. Cambridge, MA: Cambridge
University Press.

Firestone, R, 1990, *Journeys in Holy Lands: The Evolution of the Abraham-Ishmael
Legends in Islamic Exegesis*, State University of New York Press,

- Firestone, R, 2002, «*Abraham*», Encyclopaedia of the Qurān, Leiden, Brill, vol.1, pp 5-10
- Firestone, R, 1989, «*Abraham son as the intended sacrifice*», Journal of Semitic Studies.
- Firestone, R, 1992, «*Abraham's Journey to Mecca in Islamic Exegesis: A Form-Critical Study of a Tradition*», Maisonneuve & Larose, Studia Islamica, No. 76.
- Firestone, R, April 1990, «The problem of Sarah's Identity in Islamic Exegetical Traditional, The Muslim World, Vol.Lxxx, No 2, Boston University, Dept. of Modern Foreign, Languages & Literatures, Boston, Massachusetts.
- Firestone, R, 1991, «Difficulties in keeping a beautiful wife: the legend of Abraham and Sarah in Jewish and Islamic tradition», Journal of Jewish Studies.
- Firestone, R, (Jan. - Apr. 1993), » Prophethood, Marriageable Consanguinity, and Text: The Problem of Abraham and Sarah's Kinship Relationship and the Response of Jewish and Islamic Exegesis «The Jewish Quarterly Review, New Series, Vol. 83, No. 3/4 pp.331-347, Published by: University of Pennsylvania Press.
- Harris, R. Laird, 1999, Theological Wordbook of the Old Testament, Chicago: Moody Press.
- Tayeb El-Hibri, The empire in Iraq, 763–861, Cambridge History of Islam, Edited by. www. Hebrew Union College.edu, 1833.

References

- The Noble Quran. 1994. Translated into Persian by Naser Makarem Shirazi. Qom: Dār al-Qur'ān al-Karīm.
- Abū al-Futūḥ al-Rāzī, Ḥusayn b. 'Alī. 1408 AH. *Rawḍ al-jinān wa-rūḥ al-janān fī tafsīr al-Qur'ān*. Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.
- Abū Ḥayyān, Muḥammad b. Yūsuf. 1407 AH. *Tafsīr al-nahr al-mād min al-baḥr al-muḥīṭ*. Beirut: Dār al-Jinān.
- Amīn, Sayyid Muḥsin. 1403 AH. *A 'yān al-Shī'a*. Beirut: Dār al-Ta'āruf lil-Maṭbū'āt.
- Amini, Noruz, Mohsen Rafat, and Ali Hassannia. 1400 Sh. "Taḥlīl-i intiqādī-yi mutūn-i naqlī-yi Islāmī va pīshā-Islāmī dar ta'yīn-i huviyat-i qurbānī-yi Ibrāhīm." *Pazhūhish-hāyi Qur'ān va ḥadīth* 54, no. 2: 295-320.
- Balkhī, Muqātil b. Sulaymān. 1423/2002. *Tafsīr Muqātil ibn Sulaymān*. Beirut: Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.

- Bayḍāwī, ‘Abd Allāh b. ‘Umar al-. 1418 AH. *Anwār al-tanzīl wa-asrār al-tāwīl*. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Bayhaqī, Aḥmad b. Ḥusayn al-. 1424 AH. *Al-Sunan al-kubrā*. Edited by Muḥammad ‘Abd al-Qādir ‘Aṭā. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Chase F. Robinson. 2010. *The New Cambridge History of Islam*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Day, J. 1985. *God’s Conflict with the Dragon and the Sea*. Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- El-Hibri, Tayeb. *The Empire in Iraq, 763–861*. In *Cambridge History of Islam*, edited by [Editor Name].
- Fakhr al-Rāzī, Muḥammad b. ‘Umar al-. 1420 AH. *Tafsīr al-Kabīr*. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Farrā’, Abū Zakarīyā Yaḥyā b. Ziyād al-. 1980. *Ma‘ānī al-Qur’ān*. Cairo: Dār al-Miṣriyya li-al-Tālīf wa-al-Tarjama.
- Firestone, R. 1989. “Abraham’s Son as the Intended Sacrifice.” *Journal of Semitic Studies*.
- Firestone, R. 1990. *Journeys in Holy Lands: The Evolution of the Abraham-Ishmael Legends in Islamic Exegesis*. Albany: State University of New York Press.
- Firestone, R. 1991. “Difficulties in Keeping a Beautiful Wife: The Legend of Abraham and Sarah in Jewish and Islamic Tradition.” *Journal of Jewish Studies*.
- Firestone, R. 1992. “Abraham’s Journey to Mecca in Islamic Exegesis: A Form-Critical Study of a Tradition.” *Studia Islamica*, no. 76. Maisonneuve & Larose.
- Firestone, R. 2002. “Abraham.” In *Encyclopaedia of the Qur’ān*, vol. 1, 5–10. Leiden: Brill.
- Firestone, R. April 1990. “The Problem of Sarah’s Identity in Islamic Exegetical Tradition.” *The Muslim World*, vol. LXXX, no. 2. Boston: Boston University, Department of Modern Foreign Languages & Literatures.
- Firestone, R. Jan.–Apr. 1993. “Prophethood, Marriageable Consanguinity, and Text: The Problem of Abraham and Sarah’s Kinship Relationship and the Response of Jewish and Islamic Exegesis.” *The Jewish Quarterly Review*, new series, vol. 83, no. 3/4, 331–47. University of Pennsylvania Press.
- Harris, R. Laird. 1999. *Theological Wordbook of the Old Testament*. Chicago: Moody Press.

Hawārī, Hūd b. Muḥkām al-. 1426 AH. *Tafsīr kitāb Allāh al-‘azīz*. Algiers: Dār al-Baṣā’ir. Hebrew Union College. 1833. www.hebrewunioncollege.edu.

Hosseini Milani, Seyed Ali. 1389 Sh. *Jawāhir al-kalām fī ma‘rifat al-imāma wa-al-imām*. Qom: al-Ḥaqā’iq.

Ibn Abī Ḥātim, ‘Abd al-Raḥmān b. Muḥammad. 1419 AH. *Tafsīr al-Qur’ān al-‘Azīm*. Riyadh: Maktabat Nizār Muṣṭafā al-Bāz.

Ibn Abī Zamanayn, Muḥammad b. ‘Abd Allāh. 1424 AH. *Tafsīr Ibn Abī Zamanayn*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.

Ibn al-Jawzī, ‘Abd al-Raḥmān b. ‘Alī. 1422 AH. *Zād al-masīr fī ‘ilm al-tafsīr*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Arabī.

Ibn ‘Arabī, Muḥammad b. ‘Alī. 1422 AH. *Tafsīr Ibn ‘Arabī*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.

Ibn Athīr, ‘Alī ibn Abī al-Karam. 1385 Sh. *Al-Kāmil fī al-tārīkh*. Beirut: Dār Ṣādir.

Ibn Ḥajar al-‘Asqalānī. 1408 AH. *Fath al-bārī sharḥ Ṣaḥīḥ al-Bukhārī*. Beirut: n.p.

Ibn Kathīr, Ismā‘īl b. ‘Umar. 1419 AH. *Tafsīr al-Qur’ān al-‘azīm*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.

Jūdah al-Saḥḥār, ‘Abd al-Ḥamīd. 1992. *Aḍwā’ ‘alā al-sīra al-nabawiyya wa-muqāranat bayn al-adyān*. Cairo: Maktabat Miṣr, Dār Miṣr.

Kiyāharāsī, ‘Alī b. Muḥammad. 1422 AH. *Aḥkām al-Qur’ān*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.

Mahdavi-Rad, Mohammad Ali, Jalil Parvin, and Roya Arab Alidoosti. 1400 Sh. “Taḥlīl-i tāthīr-i rivāyāt-i Isrā’īlī bar ārā’-i fiqhī-yi mufasssīrān tā pāyān-i qarn 5 (bā tākīd bar khilqat-i Ḥavvā dar sifr-i paydāyish.” *Muṭālī‘āt-i fahm-i ḥadīth* 7, no. 2: 119-39.

Marefat, Mohammad Hadi. 1379 Sh. *Tafsīr wa-Mufasssīrūn*. Qom: al-Tamhīd.

Marefat, Mohammad Hadi. 1387 Sh. *Al-Tafsīr wa-al-Mufasssīrūn fī Thawbah al-Qashīb*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.

Maybudī, Aḥmad b. Muḥammad al-. 1371 Sh. *Kashf al-asrār wa-‘iddat al-abrār*. Tehran: Amīr Kabīr.

Mīrsajādī, Murtazā; and Sayyid Ḥasan Ṣadr. 1427 AH. *Al-Shī‘a wa-funūn al-Islām*. Qom: Mu‘assasa al-Sibtayn al-‘Ālamīya.

Motahari, Morteza. 1376 Sh. *Majmū‘a-yi āthār*. Tehran: Ṣadrā.

- Muḥallī, Jalāl al-Dīn; and Jalāl al-Dīn al-Suyūṭī. 1416 AH. *Tafsīr al-Jalālayn*. Beirut: Mu'assasa al-Nūr li-al-Maṭbū'āt.
- Namvar Motlagh, Bahman and Maryam Pirdehghan. 1391 Sh. "Chigūnigī-yi shiklgīrī-yi ustūri-yi sharr-i Leviathan bā takyih bar naqd-i ustūrishinākhtī-yi Northrop Frye." *International Conference of Contemporary Philosophy of Religion*.
- Nilsaz, Nosrat, Nahleh Gharavi Naeeni, and Elham Zarrin-Kolah. 1392 Sh. "Tafsīr-i Mujāhid, barrasī-yi iṣālat, sanad, matn, va bayān-i mabānī-yi ān." *Kitāb qayyim* 3, no. 9: 89-115.
- Nishābūrī, Nizām al-Dīn Ḥasan b. Muḥammad al-. 1416 AH. *Tafsīr gharā'ib al-Qur'ān wa-raghā'ib al-furqān*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Old Testament*. 1393 Sh. Translated into Persian by Pirooz Sayyar. Tehran: Nashr-e Ney.
- Qanūjī al-Bukhārī, Abū al-Ṭayyib al-Sayyid Muḥammad Ṣiddīq Khān al-. 1405 AH. *Al-Ḥaṭṭa fī Dhikr al-Ṣaḥāḥ al-Sitta*. Beirut: Dār al-Kutub al-Ta'limiyya.
- Qazwīnī Yazdī, Ḥājī Bābā. 1378 Sh. *Risāla-ī fī Radd Yahūdīyat*. Qom: Hozur Cultural Publishing Institute.
- Qummī, 'Alī b. Ibrāhīm al-. 1404 AH. *Tafsīr al-Qummī*. Qom: Dār al-Kutub.
- Qurtubī, Muḥammad b. Aḥmad al-. 1364 Sh. *Al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'ān*. Tehran: Nasser Khosrow.
- Qushayrī, 'Abd al-Karīm b. Hāwazān al-. n.d. *Laṭā'if al-Ishārāt*. Cairo: al-Hay'a al-Miṣriyya al-'Āmma li-al-Kitāb.
- Rezaei Esfehāni, Mohammad Ali. 1383 Sh. *Manāhij wa-ittijāhāt li-tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Jāmi'at al-Muṣṭafā al-'Ālamiyya.
- Ṣadr, Sayyid Ḥasan al-. 1438 AH. *Tāsīs al-Shī'a li-'ulūm al-Islām*. Qom: Mu'assasat Turāth al-Shī'a.
- Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī al-. 1361 Sh. *Ma'ānī al-akhbār*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī al-. 1403 AH. *Al-Khiṣāl*. Edited by 'Alī Akbar Ghafārī. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
- Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī al-. 1413 AH. *Man lā yaḥḍuruhu al-faqīh*. Edited by 'Alī Akbar Ghafārī. Qom: Islamic Publishing Office.
- Samarqandī, Naṣr ibn Muḥammad b. Aḥmad al-. n.d. *Baḥr al-'ulūm*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Shaybānī, Aḥmad b. Muḥammad b. Ḥanbal al-. 1421 AH. *Musnad Aḥmad ibn Ḥanbal*. Edited by 'Ādil Murshid al-Arnāuṭ and Shu'ayb. Beirut: Mu'assasat al-Risāla.

- Shaybānī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1413 AH. *Nahj al-bayān ‘an kashf ma ‘ānī al-Qur’ān*. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- Shojaei, Hossein et al. 1396 Sh. “Barrasī-yi intiqādī-yi ravish-i mufasssīrān-i Qur’ān-i karīm dar bayān-i tārikh.” *Pazhūhishnāma-yi tafsīr va zabān-i Qur’ān* 5, no. 2: 61-85.
- Suyūṭī, Jalāl al-Dīn al-. 1392 Sh. *Al-Itqān fī ‘ulūm al-Qur’ān*. Translated by Sayyid Maḥdī Hā’irī Qazwīnī. Tehran: Amīr Kabīr.
- Ṭabarī, Abū Ja’far Muḥammad b. Jarīr al-. 1412/1991. *Jāmi’ al-bayān fī tafsīr al-Qur’ān*. Beirut: Dār al-Ma’rifā.
- Ṭabarī, ‘Imād al-Dīn al-. 1356 Sh. *Tafsīr al-Ṭabarī*. Edited by Ḥabīb Yaghmā’ī. Tehran: Ṭūs.
- Ṭabāṭabā’ī, Muḥammad Ḥusayn. 1374 Sh. *Tafsīr al-Mīzān*. Qom: Islamic Publishing Office of the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Tha’ālibī, ‘Abd al-Raḥmān ibn Muḥammad al-. 1418 AH. *Jawāhir al-ḥisān fī tafsīr al-Qur’ān*. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Tha’labī al-Nishābūrī, Abū Ishāq al-. 1422 AH. *Al-Kashf wa-al-bayān ‘an tafsīr al-Qur’ān*. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Ṭīhrānī, Āqā Buzurg. 1357 Sh. *Al-Dharī’a ilā taṣānīf al-Shī’a*. Tehran: Intishārāt-i Islāmiyya.
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan al-. n.d. *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur’ān*. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Zamakhsharī, Maḥmūd al-. 1407 AH. *Al-Kashshāf ‘an ḥaqā’iq ghawāmiḍ al-tanzīl*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Arabī.